

## سازماندهی سیاسی فضا با تأکید بر مدیریت شهری و رویکرد دولت محلی (مطالعه موردی استان هرمزگان)

محمد سلگی<sup>۱</sup>، آرش نصیری زرقانی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

### چکیده

دولت محلی بویژه در کشورهای بسط و متمرکز یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده جهت سازماندهی و مدیریت بهینه نواحی سیاسی به شمار می‌رود. در این پژوهش، مفهوم دولت محلی به‌همراه آمایش سرزمین و ارتباط آن با مدیریت شهری در کشور ایران بطور اعم و استان هرمزگان به‌طور اخص و همچنین رابطه آن با بخش‌های اقتصادی، امنیتی، کارآمدی سیستم مدیریتی و عدالت فضایی مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات صورت گرفته در منابع موجود مبین این نکته است که رابطه مستقیمی بین اعطای اختیارات محلی و عملکرد بهتر در سازمان سیاسی کشور وجود دارد؛ به این صورت که هرگاه در راستای اعطای اختیارات به استان‌ها حرکت کرده‌ایم از مشکلات مدیریتی کاسته شده و این امر تحقق یافته که کشور به سمت مدیریت بهینه گام بردارد. به عبارت دیگر، بر مهارت تصمیم‌گیری نواحی افزوده شده که این خود باعث کارآمدی هرچه بیشتر نواحی بویژه نواحی مرزی شده است که استان هرمزگان جدای از این قاعده نیست. علاوه بر این، بررسی‌ها نشان داده‌اند که هرگاه دولت‌ها در برنامه‌های توسعه خود به رشد و پیشرفت اقتصادی این نواحی توجه کرده‌اند، امنیت نیز به تبع آن استقرار یافته و هرگاه شیوه توزیع فضایی قدرت در کشور به سمت تمرکززدایی گام برداشته، جایگاه اقتصادی استان‌ها نیز در حد مطلوبی افزایش یافته و شیوه‌های مدیریتی در استان به سمت و سوی مطلوبی حرکت کرده و از مشکلاتی همچون فقر و ناکارآمدی مدیریتی فاصله گرفته است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی – تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی سعی در بررسی نقش مدیریت شهری و دولت محلی در سازماندهی سیاسی فضا دارد که استان هرمزگان برای شرح و تبیین این موضوع، به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. نتیجه‌ای که از پژوهش حاضر حاصل گردید این است که در مدیریت شهری استان هرمزگان، در ادوار مدیریتی مختلف شاهد نگرش اقتصادی و امنیتی در استان بوده‌ایم که در صورتی می‌توان به این مهم دست پیدا کرد که دید آمایشی درستی بر پهنه استان استوار شود و بتوان از نگرش‌های آمایشی در این زمینه استفاده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** سازماندهی سیاسی فضا، آمایش سرزمین، امنیت، مدیریت شهری، دولت محلی، استان هرمزگان.

## ۱- مقدمه

با توجه به سابقه تاریخی استان هرمزگان در جنوب ایران و به دلیل داشتن نقش مواصلاتی و شاهراهی آن در طول تاریخ، همواره این منطقه در معرض حملات خارجی و توجهات داخلی بوده است. استان هرمزگان با داشتن ۱۵ جزیره از جمله قشم و کیش که وسعتی بیشتر از کشور بحرین دارند به عنوان یکی از مهم ترین استان های جنوبی در مدخل خلیج فارس و تنگه هرمز به شمار می رود. از گذشته های دور تا به امروز امنیت در این استان دستخوش تغییراتی بوده است؛ از زمان حضور پرتغالی ها و اسپانیایی ها تا حضور نیروهای انگلیسی و آمریکایی؛ که این خود نشان دهنده اهمیت سوق الجیشی هرمزگان برای نیروهای خارجی بوده است. اما این استان از نگاه دولتمردان داخلی نیز بطور کامل مغفول نمانده است، حضور اسکله های اقتصادی بسیار مهم در این استان خود مبین این امر است که استان هرمزگان در چند دهه اخیر به عنوان یک شاهراه اقتصادی در جنوب کشور توانسته است نقش خود را به خوبی ایفا نماید تا جایی که حدود ۷۰ درصد مبادلات تجاری از این مناطق انجام می شود. نکته قابل توجهی که باید به آن توجه نمود این است که توزیع فضایی قدرت در گذشته در نواحی جنوبی کشور و مخصوصاً استان هرمزگان بصورت ناحیه ای، ایالتی و ولایتی بوده است که به علت فاصله بسیار زیاد نواحی ساحلی و مرزی کشور با مرکز به دور از دیدگاه های صرفاً امنیتی توانسته بود تا حدودی مفید واقع گردد. اما امروز شاهد توزیع فضایی قدرت از بالا به پایین هستیم در این توزیع فضایی قدرت و شیوه سازماندهی سیاسی فضا که پایتخت در مرکز امور و نمایندگان آنها که استانداری ها و فرمانداری ها هستند نقش بازی قدرت در سطوح محلی را بر عهده دارند، عمدتاً برای تصمیم گیری در مورد امور چه از جنس مسائل امنیتی و چه از جنس مسائل اقتصادی و یا در هر حوزه دیگر پایین ترین سطح قدرت باید از بالاترین سطح قدرت کسب اجازه نماید تا بتواند آن فعالیت را به انجام رساند و بودجه لازم را از آن نهاد دریافت نماید تا در امور خاص مصرف گردد. در مبحثی دیگر لازم است که اشاره شود، اجرای درست اصول مدیریت شهری خود می تواند موجب گردد که در تصمیم گیری های سیاسی اقتصادی در فضای شهری در استان با نگاه سازماندهی شده، فضا را به نحو احسن مدیریت نمود. در منظری دیگر نیز در بحث تخصیص بودجه لازم است که به مواردی اشاره شود: استان هرمزگان خود دارای منابع معدنی بسیاری است همچنین از نظر اقتصادی در جایگاه نسبتاً مطلوبی قرار دارد و اینکه کشاورزی و صنعت در این استان تا حدودی توانسته است رشد مطلوبی را داشته باشد و مهم تر از آن گردشگری در این استان جایگاهی بس قابل توجه دارد که می تواند از آن در جهت درآمدزایی و ایجاد اشتغال بهره کافی را داشته باشد. اما نکته قابل تأمل این است که این استان غالب درآمدهای خود را به مرکز و پایتخت سیاسی ارسال می کند و سپس پایتخت با تصمیم گیری مجدد برای این استان بخشی از درآمد خود استان را برای مرکز استان ارسال می کند و مرکز استان نیز آن را به نواحی حوزه نفوذ خود اختصاص می دهد. در صورتیکه اگر شیوه سازماندهی سیاسی فضا مطابق با نقش مدیریت شهری تغییر یابد نواحی از چابکی خاصی در تصمیم گیری برخوردار می شوند و می توانند خدمات بهتری را به مردم ارائه دهند. سؤالی که در این جا مطرح است این است که چگونه سازماندهی سیاسی فضا و مدیریت شهری با نگاه به دولت محلی در توزیع فضایی قدرت برای رسیدن به زندگی مطلوب سیاسی - اجتماعی مردم می تواند موثر باشد؟ آنچه در این پژوهش و در پاسخ به این سؤال اصلی حاصل گردیده، این است که در شیوه توزیع فضایی قدرت و سازماندهی سیاسی فضا باید تغییراتی را ایجاد نمود که از تغییرات حاصله بتوان به سمت توسعه اقتصادی و سیاسی در نواحی شهری پیش رفت؛ چرا که این شیوه از سازماندهی سیاسی فضا ناکارآمدی خود را در طول این چند سال به نمایش گذاشته است و باعث شده است که نواحی مرزی و شهرها در مرز نسبت به نواحی مرکزی با توجه به استعدادهای خود از توسعه جا بمانند. با توجه به دیدگاه های امنیت محور در کشور که همچنین در نواحی مرزی بسیار قابل توجه و مهم می باشند می توان با دستیابی به توسعه اقتصادی، امنیت را نیز در مناطق با خود به ارمغان آورد. سوال دیگری که در این تحقیق به آن توجه شده این است که آیا روند کنونی مدیریت شهری و سازماندهی سیاسی فضا در ایجاد مشکلات اقتصادی، سیاسی و معیشتی تأثیرگذار بوده است؟ مفروض است که شیوه کنونی سازماندهی سیاسی فضا و مدیریت شهرها در نواحی جنوبی کشور به

خصوص در استان هرمزگان نه تنها نتوانسته به رشد و توسعه اقتصادی و کاهش مشکلات سیاسی در این استان کمک کند بلکه در پاره‌ای از موارد نیز به عنوان یک معضل در راه فعالان سیاسی و اقتصادی در سطح ناحیه عمل کرده است.

## ۲- روش تحقیق

روش اصلی این پژوهش بنا به ماهیت و اهمیت موضوع در شرایط کنونی، توصیفی-تحلیلی بوده و تلاش بر این است تا از اطلاعات کتابخانه‌ای از جمله منابع و داده‌های مهم و معتبر داخلی مانند منابع موجود در حوزه اقتصاد، علوم اجتماعی و جغرافیای سیاسی برای بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری و تأکید بر دولت محلی در سازماندهی سیاسی فضا با توجه به استان هرمزگان استفاده شود.

## ۳- چارچوب مفهومی

### ۳-۱- تقسیمات کشوری

تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای حکومتی در اداره و کنترل فضای جغرافیایی کشور است و تنها در مورد کوچکترین کشورهاست که امکان دارد از پایتخت یک کشور، بدون اتخاذ یک یا چند طبقه واسطه اداری، به طور کامل و مستقیم بر سرزمین کشور حکومت کرد (اعظمی، ۱۳۹۰: ۱۴۸). تقسیمات کشوری به معنای مدیریت سرزمین است. این تقسیمات از آن رو صورت می‌گیرد که دولت در حالی که حاکمیت خود را در دورترین نقاط کشور اعمال می‌کند، بتواند خدمات لازم را به سهولت در اختیار همگان قرار دهد. در واقع تقسیمات کشوری، تسهیل‌کننده حاکمیت ملی است و مدیریت سرزمینی را حتی در دورترین نقاط کشور ممکن می‌کند (احمدی پور، ۱۳۷۹: ۲۷۹).

کارکرد تقسیمات کشوری که شاید مورد توجه نظام‌های سیاسی می‌باشد عبارت است از تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی این کارکرد در سطوح مختلف در پهنه سرزمین، پیوسته به عنوان هدف غایی در نظام برنامه‌ریزی ایران مورد عنایت بوده است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۳). یکی از دلایل اصلی زمینه‌ساز تقسیم سرزمین به واحدهای سیاسی کوچک تر و پیامدهای آن در ایران، به کارگیری روش استقرار است. در سال ۱۳۶۲ تغییراتی در شاخص‌های تشکیل سطوح تقسیمات کشوری به وجود آمد و بحث تعداد جمعیت، وسعت و تراکم به عنوان ملاک‌های اصلی تقسیم کشور به واحدهای مختلف سیاسی و تشکیل سطوح مختلف تقسیماتی مطرح شد؛ اما تحولات زیربنایی در روند قبلی ایجاد نشد و ارتقای سطوح تقسیمات سیاسی ارتباط تنگاتنگی با جمعیت برقرار کرد و آستانه جمعیتی ملاک اصلی ارتقا قرار گرفت (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). یکی از انواع سازماندهی فضایی-اداری برای تسهیل در اعمال حاکمیت دولت، توجه به شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری و همچنین نظم‌دهی به نحوه رابطه مسئولان و مردم است. محدوده‌های متوازن تقسیمات کشوری، در واقع، ظرف مکانی به شمار می‌روند که می‌توان آن‌ها را فصل مشترک تمام پدیده‌های طبیعی، جمعیت، فرهنگ، فعالیت، زیرساختها و تشکیلات، روابط و حرکات دانست. این محدوده‌ها به تبع پیشینه و هویت تاریخی نظام حکومتی، ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی-اقتصادی، در ظرف زمان انتظام و آرایش خاصی به خود می‌گیرند و ترجمان فضایی و مکانی آنها را می‌توان در انگاره‌های متمرکز و غیرمتمرکز یا ترکیبی از موارد یاد شده مشاهده کرد (اطاعت و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

### ۳-۲- آمایش سرزمین

آمایش سرزمین را نخستین بار کلودیوس بئی وزیر بازسازی و مسکن فرانسه در دهه ۱۹۴۰م. ابداع کرد. از دید ایشان آمایش سرزمین را باید به دید فنی از فنون توسعه در مراحل نخستین آن نگرست بدین ترتیب توسعه باید دارای هدف یکپارچگی

باشد (فرجی دانا، ۱۳۷۱: ۲). اندیشه آمایش سرزمین در کشور فرانسه با مشاهده عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت، فعالیت و خدمات، همزمان با پیدایش تفکر و برنامه ریزی شهری به منظور بازسازی کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرده است. آمایش استفاده بهینه و عقلانی و پی بردن به ارزش‌های فضا به منظور کارکردهای موثر اقتصادی و اجتماعی است و لذا تقسیم کار سرزمین از جنبه‌های مهم آن شمرده می‌شود. در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین تشخیص مناطق مختلف سرزمین اهمیت اساسی دارد؛ زیرا پایه و مبنای برنامه شناخته می‌شود. برنامه آمایش دارای افق بلند مدت است و معمولاً دوره‌ای ۱۵ تا ۲۰ سال را زیر پوشش قرار می‌دهد، از مهم‌ترین اهداف این طرح‌ها، بهسازی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی است (پوراحمد، ۱۳۸۰: ۴۸۰).

از مهمترین ویژگی‌های آمایش سرزمین می‌توان به مواردی چون، نگرش همه‌جانبه به مسائل، آینده نگری، دورنگری و نتیجه‌گیری‌های مکانی از محتویات استراتژی توسعه ملی و عامل پیوند برنامه‌های کلان و برنامه‌های منطقه‌ای اشاره نمود لذا برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید در چهارچوب برنامه ملی انجام شود (kuklinskil, 1978: 6).

آمایش سرزمین مهندسی ترتیبات بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های اجتماعی و طبیعی است. به عبارت دیگر هندسه بهره‌برداری از ظرفیت‌ها را یعنی نوع و مقیاس و موقعیت مکانی فعالیت‌هایی که منجر به بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های آن است هدف قرار می‌دهد یا مفهوم و عینیت می‌بخشد. آمایش سرزمین جامع‌نگر است؛ بدین معنا که انضباط‌های اساسی توسعه را مدنظر قرار می‌دهد و فراتر از جامعیت بخشی، جامعیتی میان رشته‌ای از انضباط‌های اساسی توسعه را با به کارگیری روش‌های استنتاج فضایی و کنش متقابل اهداف گوناگون توسعه فضایی پدید آورد (قندهاری، ۱۳۸۸: ۹).

اندر اندلی آمایش سرزمین را فرایند تخصیص فعالیت‌ها و کاربری‌ها به واحدهای مشخصی از فضا در یک منطقه می‌داند. برپایه تعریف «شبکه نظارت برنامه ریزی فضایی اروپا»، آمایش سرزمین عبارت است از رویکرد منسجم و فعال از توسعه سرزمین در جهت شکل دادن به آینده شهرها، نواحی و مناطق جغرافیایی بزرگتر، به گونه‌ای که از سیاست‌های توسعه منطقه‌ای فراتر رود و به رویکرد برنامه‌ریزی فضایی نزدیکتر می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۵). اصولاً آمایش به مجموعه فعالیت‌هایی اشاره دارد که به نوعی در معانی مختلف مصدر آمودن مستتر است. آمودن آنگونه که لغت نامه دهخدا کرده است به معنای آویختن، مستعد کردن، آراسته کردن می‌باشد. آمایش اسم مصدر آمودن و آمایدن است. مفاهیمی که تابش از متداول شدن عبارت آمایش سرزمین در واژه‌هایی همچون تنسيق سرزمین یا بهره‌وری از سرزمین باید جستجو کرد. اصطلاح سرزمین تحت عنوان کاربردی زمین نیز بکار رفته است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

### ۳-۳- مدیریت شهری

شهرها به عنوان مهم‌ترین سکونتگاه‌های زیست انسان، نیازمند اداره شدن هستند. آن‌ها براساس بعد فضایی جمعیتی و کارکردی دارای پیچیدگی‌های خاص در اداره امور عمومی هستند. از این رو، توسعه فزاینده شهرگرایی مدرن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، خدماتی و ارتباطی، پیچیدگی اداره شهر را مضاعف کرده است. از سوی دیگر این نکته را می‌توان در نظر گرفت که سیاست از واژه یونانی «پولیس» به معنای اداره امور شهر گرفته شده است، لذا مدیریت و اداره شهر مفهومی جدید نیست بلکه پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد.

مدیریت شهری، عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقای مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف و سیاست‌های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور. مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیا شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه جانبه و پایدار شهر مربوطه (رضویان، ۱۳۸۱: ۱۳). رویکردهای جدید مدیریت شهری که با عنوان «مدیریت هدف‌دار» از آن یاد می‌شود، روندی پویا است که در آن اهداف تعیین و به عنوان وظایف مدیریت مدنظر قرار

می‌گیرد. در این نظام تمام آن‌هایی که در اداره امور همه بخش‌های شهر مسئولیت دارند، برای ایجاد تغییرات اساسی در محیط پیش قدم می‌شوند و با روش‌هایی از پیش اندیشیده شده به حل مشکلات شهری می‌پردازند. مهم‌ترین برنامه سازمان ملل متحد در زمینه مدیریت توسعه شهری برنامه مدیریت شهری را شامل می‌گردد که تحت نظر سازمان ملل و بانک جهانی تدوین و به اجرا در می‌آید. این برنامه وظایف دهگانه مدیریت شهری را به شرح ذیل بیان می‌کند: توجه به توسعه پایدار، مدیریت محیط زیست، کاهش فقر شهری، مدیریت حمل و نقل شهری، بهبود اقتصاد شهری مدیریت زمین شهری، مدیریت زیرساخت‌های شهری، مدیریت کالبد شهری، حمایت از ظرفیت‌های بالقوه محلی توسعه و تأمین منابع مالی شهرداری‌ها. نظریه‌ها و راهکارهای جدید بر مدیریت جامع و تخصصی شهری تأکید می‌کند و رهبری این مدیریت جامع را به شهرداری‌ها محول می‌نماید؛ زیرا هماهنگی فعالیت‌ها و اقدامات شهری به دست شهرداری‌ها می‌تواند ارتباط بین شهروندان با سایر دستگاه‌های دولتی را برقرار سازد و موجبات توسعه موزون شهری را فراهم آورد (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۹).

منظور از مدیریت شهری در این مقاله نظامی است متشکل از متولیان اداره امور شهر که در رأس آن‌ها شهرداری قرار دارد که فعالیت‌های شهر را سازمان می‌دهد و به منظور انجام بهینه وظایف بر آنها نظارت دارد. شناخت، سازماندهی و تعیین جایگاه نهادها و سازمان‌های مرتبط با توسعه شهر، از جمله مسائل مهم مدیریت شهری به شمار می‌رود. برقراری ارتباط بین این نهادها و هماهنگ نمودن فعالیت‌های آن‌ها در راستای اهداف و سیاست‌های توسعه پایدار شهری از عوامل دیگری است که در مدیریت شهری اهمیت بسزایی دارد. از مجموعه این مشخصاً به عنوان «ساختار مدیریت شهری» نام برده می‌شود. هماهنگی همه اقدامات و فعالیت‌های شهری مستلزم تعیین اهداف و سیاست‌هایی است که تمام دینفعان شهر در انجام آن با هم توافق داشته باشند و همچنین جایگاه سازمانی آن را به عنوان هماهنگ کننده بپذیرند (بردی آنا مراد نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲). با ورود بشر متمدن به عصر مدرن و شدت گرفتن فرآیندهای جهانی شدن و جهانی سازی و فشردگی هرچه بیشتر زمان و فضا که ارتباطات گسترده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای جوامع گوناگون فراهم آورده است، نمادها و نشانه‌ها نیز به همان نسبت، امکان پخش یافته‌اند به طوری که نشانه‌های گفتمان‌ها و نیروهای غالب نظام اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع پیشرو به طور گسترده‌ای در سرتاسر جهان نمود یافته است و هر روز نیز نماد جدید به وجود می‌آید. امروزه آسمان خراش‌های مرتفع در شهرهایی که به طور وسیعی در متن جریان‌های فضایی مالی و تجاری جهان قرار دارند امر عادی شده است. کشورهای مختلف برای بازنمایی قدرت تجاری و مالی خود شروع به ساخت برج‌های چندین صد متری کرده‌اند؛ برج خلیفه در شهر دبی امارات متحده عربی و برج شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی که بالای هزار متر خواهد داشت نمودی از این فرایندها هستند (داودی، ۱۳۹۸: ۵۱).

در فضای شهری همواره مجموعه‌ای از گفتمان‌ها حاکم هستند که در میان آنها یک گفتمان غالب بوده و به خرده گفتمان‌های دیگر شکل می‌دهد و با گفتمان‌های متضاد به مبارزه مشغول می‌شود. معمولاً گفتمان غالب در فضای شهر ارتباط مستقیم با ایدئولوژی نظام سیاسی حاکم داشته و به پشتوانه آن در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر نفوذ کرده گفتمان‌های این بخش‌ها را ساخته و هدایت می‌کند. گفتمان کلیتی تک بعدی نبوده و از اجزا و ابزاری برخوردار است که شامل بخش ایدئولوژیک و اندیشه‌ای که شامل افکار، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های هم‌راستای گفتمان می‌شود، بخش سازمانی و نهادی چون ادارات که نخبگان برگزیده گفتمان به اداره آن مشغول‌اند و نقش ابزار پیش‌برد گفتمان را بر عهده دارند و بخش نیروی انسانی و متفکران و اندیشمندان که ارزش‌ها و مفاهیم گفتمانی را تقویت کرده و باعث بقا و سازگاری و انعطاف گفتمان می‌شوند (خوجم لی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱).

## ۴-۳- دولت محلی

واژه "دولت" در زبان‌های اروپایی واژه یا اصطلاح "گاورنمنت" است که اشاره به مدیریت سیاسی و "هیأت مدیران" کشور دارد که در رأس قوه مجریه از نظام حکومتی قرار می‌گیرد. واژه گاورنمنت از ریشه توگرون به معنی اداره کردن است. به نظر فلینت واژه محل نیز اشاره به نهادهایی دارد که فعالیت، سیاست و هویت را در یک مکان سازماندهی می‌نماید (hafeznia, 2008: ۳) از این رو در جغرافیای سیاسی و جغرافیای شهری مجموعه شهرداری و شورای شهر را لوکال گاورنمنت یا دولت محلی می‌خوانند و در حکومت‌های ایالتی در نظام‌های فدرالیده مانند ایالات متحده آمریکا و آلمان لوکال استیت یا حکومت محلی خوانده می‌شوند. دولت محلی کلان شهری در واقع کلان شهر و مدیریت شهری است که سیستم‌های کلان شهر را اداره می‌کند و می‌تواند در مناسبات بین‌المللی نقش داشته باشد اما بخشی از مکان شبکه تولید تکه پاره جهانی نیست. مسئولین محلی متشکل از بازیگران کلیدی در شیوه‌های فوردیستی و نمایندگان و ناظران اجرای استانداردهای مصرف فوردی است که در فضای یک چرخش و دگرگونی نئولیبرالیستی از مدیریت‌گرایی به کارآفرین‌گرایی با شیوه پساوردیستی به فعالیت می‌پردازند، امروزه در چارچوب نظامی کار می‌کنند که دولت محلی نام گرفته است. بر اساس دیدگاه گودوین و پین تر که دولت محلی در شیوه فوردیستی را مورد بررسی قرار داده‌اند تأکید کرده‌اند که در زمینه رژیم مالی و تولید سرمایه دولت‌های محلی کلان شهری کاملاً از اقتصاد کینزی پیروی می‌کنند در زمینه ساختار سازمانی، دارای ساختاری با خدمات متمرکز با برتری و توفیق دولت محلی منتخب هستند، نوع مدیریت در دولت‌های محلی کلان شهری کاملاً سلسله‌مراتبی، متمرکز و دارای بروکراسی شدید امور اداری، بازارهای کار محلی به دلیل نوع نگرش مسلط در این گونه نظام‌ها کاملاً ساماندهی و تنظیم شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹-۱۱).

دولت محلی به لحاظ مفهومی، سازه‌ای سیاسی-اداری که نتیجه فرایند توزیع فضایی قدرت سیاسی است به وسیله حکومت مرکزی پدید می‌آید؛ به عبارتی فرایندی است که موجب تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت درباره امور محلی در چارچوب سیاست‌های کلی حکومت مرکزی به نهادها و سازمان‌های مردمی نظیر شوراها، انجمن‌ها، نهادهای مدنی، و نهادهای داوری و ریش سفیدان؛ و همچنین مقامات و نهادهای حکومتی نظیر فرمانداری، بخشداری و ادارات دولتی واگذار شود علاوه بر این دولت محلی بخشی از دولت است که در سطح بسیار نزدیکی به شهروندان قرار دارد و به آنها اجازه می‌دهد در سطوح بالاتر مشارکت مستقیم داشته باشند و فرصت‌های زیادی را برای آنان به منظور مشارکت در تنظیم و ایجاد سیاست‌های محلی فراهم می‌کند (حجی پناه و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۴-۱۷۵). تحقق دولت محلی کاری نیست که یک شبه صورت پذیرد؛ ضمن اینکه نسخه‌برداری از تجربه موفق کشورهای دیگر به هیچ وجه توصیه می‌شود؛ زیرا در این زمینه هیچ الگوی از پیش ساخته‌ای وجود ندارد و هر کشوری باید بر اساس مقتضیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و جمعیت شناختی خود، ابعاد دولت محلی را سامان دهد و بر کارایی مدیریت در درون دولت محلی بیفزاید. دولت‌های محلی باید بر اساس الگوی استراتژیک منحصر به فرد خودشان شکل گیرند و متکامل شوند (مقیم، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

## ۴- محیط شناسی تحقیق

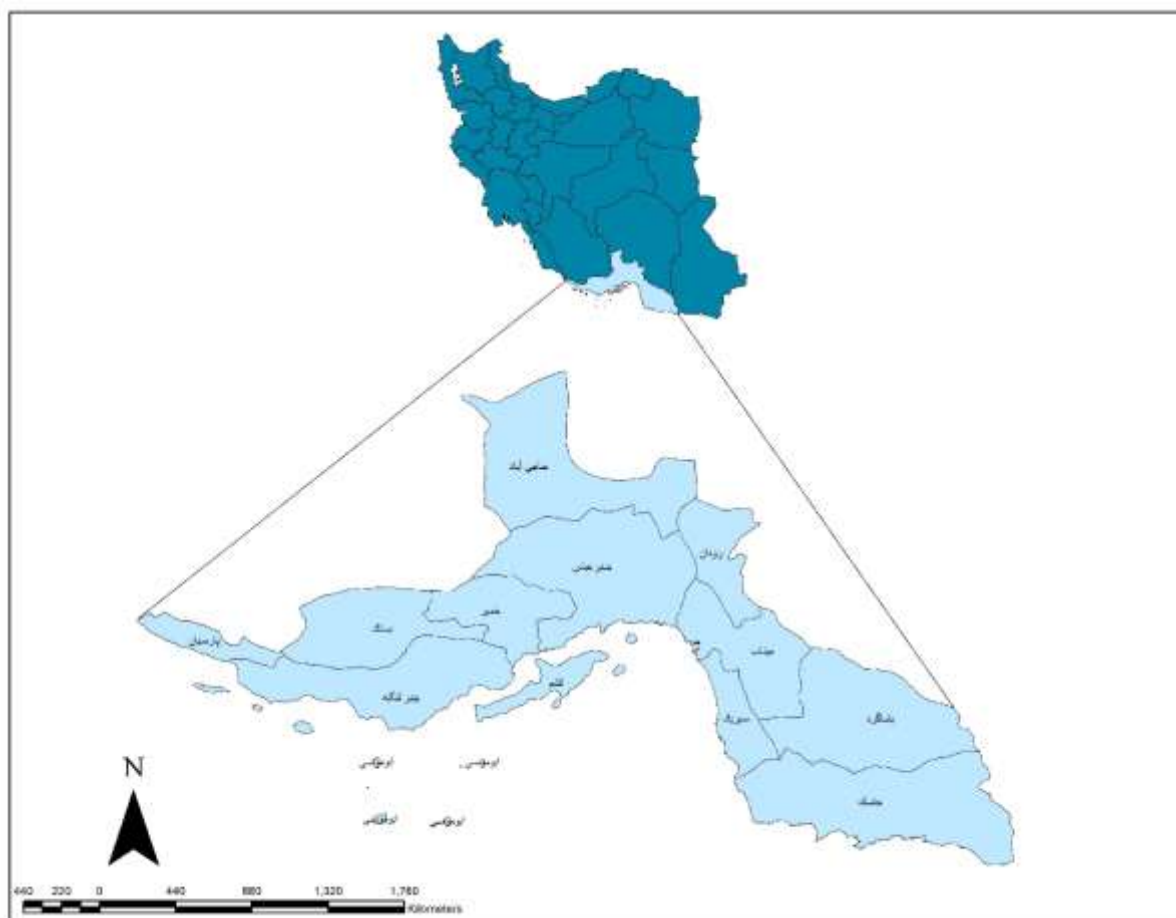
استان هرمزگان با حدود ۶۸۴۷۲ کیلومتر مربع وسعت بین استان‌های فارس، کرمان و سیستان و بلوچستان قرار دارد. حد جنوبی استان به کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان محدود است. مرکز این استان، شهرستان بندرعباس است که تا تهران ۱۰۷۹ کیلومتر فاصله دارد. استان هرمزگان از مناطق گرم و خشک ایران است و از همین رو، آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی دارد. در نواحی ساحلی، رطوبت موجود از تغییرات دمای شب و روز می‌کاهد، ولی در بخش بلند و کوهستانی شمال استان به لحاظ کاهش نسبی رطوبت، تغییرات دمای شب و روز زیاد است. در این استان چند رود شور (کل و مهران) و چندین رود شیرین (گنج، جگین، میناب، جلایی، و رود شیرین) جریان دارند که تمام آن هرز آب‌های سطحی ارتفاعات شمالی استان را در

خلیج فارس و دریای عمان تخلیه می‌کنند. استان هرمزگان دارای ۱۳ شهرستان رودان، حاجی‌آباد، میناب، بندرعباس، بشاگرد، خمیر، بستک، بندر لنگه، جاسک، پارسیان، سیریک، قشم و ابوموسی است (شکل ۱). زبان اکثر مردم فارسی است، ولی در بعضی مناطق استان اهالی با گویش محلی و یا زبان عربی گفتگو می‌کنند (آقانباتی، ۱۳۸۸: ۱۸). استان هرمزگان دارای ۱۵ جزیره مسکونی و غیرمسکونی است که این جزایر جزء یکی از مناطق راهبردی استان می‌باشند که شامل پانزده جزیره ابوموسی (گپ سبز، گپ شزو، بوموف، بابا موسی)، تنب بزرگ (تنب بزرگ، تنب مار بزرگ، تل مار، تنب کوچک (تمبو، نابو، تنب)، سیری (سری، سوری)، شیدور (شنوار، مارو، مارون)، شیخ اندرابی، فارور (فرور، نیبو فرور)، فارورگان (نابو، بنی فارور)، قشم (یرخت، طویله، کوان، قیس، لافت، باسعدو)، لارک، هرمز (زرون، جرون)، هنگام (هنگام، هنیام)، لاون (لاو، لار، لان، شکبوه، امروالدوله، شیخ شعیب معدنی)، کیش (هرمز، گیس، فین، قیس کبیره، سیراف، قیش، مکلان، دولت خانه، اواراراکتا، کاتتا، اریان، کیان، گیان، کامتینا)، هندورابی (داراب، ابرون، ابرون هی، اندرآب، افزونی، اندرابی) از جزایر تابع استان هرمزگان به شمار می‌روند (بابایی، ۱۳۹۳: ۱۰۰) و همین امر این استان هم از منظر استراتژیک و هم از منظر اقتصادی، اجتماعی، گردشگری و... در کشور حائز اهمیت کرده است.

استان هرمزگان با مساحتی بیش از ۶۸۰۰۰۰۰ هکتار و حدود ۸۲۰ کیلومتر آبی در سواحل خلیج فارس و دریای عمان در مختصات جغرافیایی ۲۹ درجه تا ۲۵ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۲۵ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. این استان از جهت شمال و شمال شرقی با استان کرمان، از جهت غرب و شمال غربی با استان فارس و بوشهر از سمت شرق با سیستان و بلوچستان همسایه است. در جنوب آن آب‌های خلیج فارس و دریای عمان در نواری به طول تقریبی ۹۰۰ کیلومتر قرار دارد (ابونوری و خوشکار، ۱۳۸۶: ۷۰) پایین بودن عرض جغرافیایی منطقه شرایط اقلیمی خاصی را بر آن حاکم نموده است و موجب شکل‌گیری پدیده‌های خاص ژئومورفولوژیکی شده است. پدیده‌هایی که تحت‌تاثیر فرآیندهای بادی، آبی، ساحلی، تکتونیکی، و... باعث شکل‌گیری اشکال متنوعی شده است (یمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۲).

استان هرمزگان بر اساس تقسیم‌بندی زمین‌شناسی ساختاری ایران، گستره‌ای است که از شمال به زون ایران مرکزی، از غرب و شمال غرب به واحد ساختاری زاگرس مرتفع، از شرق به واحد ساختاری زاگرس چین خورده و از جنوب شرق به واحد ساختاری مکران و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌گردد. واحد ساختاری زاگرس یکی از واحدهای اصلی است که قسمت عمده استان هرمزگان در این زون واقع شده است. گسل انتقالی قطر-کازرون با عبور از این استان واحد ساختاری زاگرس روړاند را در مجاورت زون زاگرس چین خورده قرار می‌دهد (قائد رحمتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).





شکل ۱: موقعیت جغرافیایی استان هرمزگان (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۰).

##### ۵- سازماندهی سیاسی فضا

طی فرآیند سازماندهی سیاسی فضا، بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازماندهی می‌شود. این فرآیند، سطوح محلی، ملی، بین‌المللی و جهانی را در بر می‌گیرد. در سطح ملی سازماندهی سیاسی فضا، گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و فضایی با تقسیم‌بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۴) در همین حال، مهم‌ترین هدف سازماندهی سیاسی فضا در درجه اول، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمین است (پورموسی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۷). تقسیمات کشوری با توجه به ضروریات سیاسی، تاریخی و وابستگی‌های عاطفی، صورت می‌گیرد که ضابطه آن را باید در جغرافیا جستجو کرد (میرحیدر و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۲). تفکیک محدوده سرزمینی کشورها، به واحدهای خردتر نیز کارکردی دو وجهی دارد. از یکسو به دولت امکان خدمات‌رسانی در کلیه سطوح را داده و از طرف دیگر به برقراری امنیت در تمام پهنه سرزمینی منجر می‌شود این کارکرد، در شرایطی می‌تواند به بقای ملی بینجامد که با رضایت سکنه همراه و هویت‌های محلی را به هویت‌های ملی تبدیل کند (احمدی پور، ۱۳۸۲: ۱۸). در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا مبتنی بر اختصاصات فضایی، الگوی حکومتی و ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی، حکومت‌ها نقش اصلی را بر عهده دارند. در ایران مهم‌ترین شاخص‌های قانونی دخیل در انجام



این فرآیند، تعداد و تراکم جمعیت، نوع اشتغال و امرار معاش، عوامل طبیعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و میزان برخورداری از امکانات رفاهی، ارتباط و فاصله مکانی مجاورت و حوزه نفوذ می‌باشند (احمدی پور، ۱۳۹۰: ۵۳).

جدول ۱: اصول، اهداف و ضرورت‌های سازماندهی سیاسی فضا و آمایش سرزمین

اصول، اهداف و ضرورت‌های سازماندهی سیاسی فضا (تقسیمات کشوری)	اصول، اهداف و ضرورت‌های آمایش سرزمین
تسهیل خدمات‌رسانی و تأمین نیازهای سکنه مقیم در ناحیه سیاسی - جغرافیایی	ارتقاء رفاه عامه مردم و پوشش کامل خدماتی با تعیین فواصل معقول از مراکز خدماتی
واگذاری امور محلی به مردم و نهادهای محلی و توسعه اقتدار آن‌ها در هر دو بعد نهادهای مردمی و دولتی	عدالت‌بخشی به توزیع جمعیت و فعالیت متناسب با منابع، توان محیطی و ظرفیت تحمل زیست‌بوم‌ها، با تأکید بر ابعاد اجتماعی وظایف توسعه‌ای دولت
وحدت، وفاق و وفاداری ملی و یکپارچگی سیاسی - فضایی	گسترش تعامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون و بین منطقه‌ای در راستای تقویت همبستگی ملی
یکپارچگی و وحدت سازمانی و اداری در تعامل‌بخشی دولتی و مردمی در یک نظام سلسله‌مراتب از سطح ملی تا سطح محلی	ایجاد هماهنگی بین بخش‌ها و برنامه‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی
پویایی و نقش‌آفرینی نواحی و مناطق در الگوی کارکردهای سطح ملی و در چارچوب رقابت سازنده میان مناطق	ایجاد تعادل فضایی در پهنه سرزمینی
تمرکز در سیاست‌گذاری‌های کلان و امور ملی و عدم تمرکز در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور منطقه‌ای و محلی	تلفیق ویژگی‌های فرهنگی مناطق در فرآیند ملی - منطقه‌ای
رضایتمندی سکنه فضای جغرافیایی از الگوی قالب‌گیری سیاسی - فضایی	ایجاد تعادل نسبی در توزیع و ترکیب جمعیت در سطح کشور با استفاده از ابزار استقرار فعالیت و زیرساخت‌ها و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی
مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های ملی و منطقه‌ای (انتخابات سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی)	تخصیصی کردن و دادن نقش‌های محوری به مناطق
دسترسی سریع و کم‌هزینه به مرکز خدمات یا کانون ناحیه سیاسی در مقیاس موردنظر	ایجاد زمینه برای رشد و توسعه کشور به مفهوم واقعی و استفاده از قابلیت‌های مختلف در تسریع و هدایت توسعه
تعامل سازنده میان نواحی و مناطق و مکمل بودن آن‌ها برای یکدیگر	بهره‌برداری مناسب از قابلیت‌ها و پتانسیل‌های مناطق
ایجاد فرآیندهای توسعه منطقه‌ای و بارورسازی پتانسیل‌های درون منطقه‌ای	تمرکززدایی به منظور کاهش نابرابری‌ها و ایجاد عدالت فضایی
کنترل سیاسی و اعمال نظریات و سیاست‌های دولت مرکزی و تحقق اهداف سطح ملی در فضاهای منطقه‌ای و محلی	تحول بنیادی در ساختار بخش خدمات و افزایش سهم خدمات نوین و دانش پایه، با تأکید بر توسعه
شناخت ویژگی‌های عمومی و مشترک فضا و سرزمین	مکان‌یابی مهم‌ترین فضاها برای توسعه

(منبع: راحمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳)

سازمان سیاسی فضا شبکه ارتباطات درونی فضا را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به توسعه فضا، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان هویت می‌بخشد تا بر پایه روندهای ایجاد شده، بهره‌برداری عقلانی از امکانات و توان بالقوه منابع طبیعی و انسانی در مسیر توسعه متعادل و موزون کشور و مناطق هدایت گردد. این ساز و کار (سازماندهی سیاسی فضا) در بعد فضای ملی شیوه اداره سیاسی فضا به منظور توسعه منطقه‌ای، آمایش سرزمین، توسعه سرزمین و غیره را با دید همه‌جانبه، آینده‌نگر و راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی و نیازهای سنجیده و منطقی جامعه و

اقتصاد که درصدد برقراری تعادل و توازن زیست- محیطی و ایجاد فرآیند توسعه پایدار سرزمینی است را به عنوان پایه و زیر ساخت مدیریت سیاسی فضا ممکن می‌سازد (احمدی پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۴).

## ۶- آمایش نواحی مرزی و سازماندهی سیاسی فضا در استان هرمزگان

مهم‌ترین مسئله منطقه مورد مطالعه از جمله مناطق مرزی و دور افتاده سرزمینی است که از کمبود امکانات پایه‌ای برای توسعه مانند راه‌های ارتباطی، آب بهداشتی، امکانات رفاهی و دانشگاهی رنج می‌برد و نتوانسته جمعیت کافی را جذب کند و به سرزمین فراموش شده معروف است. امنیت، در زندگی بشر یک پدیده حیاتی است که بدون آن ادامه حیات انسان با دشواری‌های جدی روبرو خواهد بود. به عبارتی می‌توان گفت، امنیت نخستین گام در راه رسیدن به توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک منطقه به شمار می‌رود در نتیجه امنیت و توسعه را می‌توان لازم و ملزوم هم نامید (پارساپور، ۱۳۸۹: ۱۲). دو نگرش کلی درمورد رابطه توسعه و امنیت وجود دارد:

**الف) نگرش قائل به تقدم امنیت بر توسعه:** این نگرش قایل به انجام توسعه در بستر امنیت در مناطق مرزی است. در این نگرش اعتقاد بر این است تا زمانی که امنیت شکل نگیرد، امکان توسعه همه جانبه وجود ندارد. نمونه بارزی از چنین تفکری عراق می‌باشد. این کشور با داشتن تراکم جمعیتی و تمرکز منابع نفتی و سوابق تاریخی ستیز تمدنها در حول و حوش مرز شرقی خود، اولویت نخست را به امنیت مناطق مرزی می‌دهد.

**ب) نگرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت:** این نگرش قایل به این است که هرگونه ایجاد امنیت در مناطق مرزی منوط به بهبود شرایط توسعه و توسعه یافتگی منطقه است. این دیدگاه بر این عقیده استوار است که توسعه نیافتگی عامل اصلی ناامنی است. بر این اساس برای تحقق امنیت در مرزها ابتدا باید بر روی توسعه این مناطق تمرکز نمود (عزتی، ۱۳۹۰: ۷).

طرفداران دیدگاه نخست در آمایش سرزمین، عموماً کسانی را شامل می‌شود که دغدغه‌های امنیتی دارند، به عبارت دیگر این گروه معتقدند مادامی که امنیت در یک ناحیه حکمفرما نباشد، توسعه اتفاق نمی‌افتد، بنابراین اصل مسلم را تثبیت امنیت با هر مکانیسمی (حتی قهری و پلیسی) می‌دانند. از نظر این گروه فکری توسعه اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه امنیت حکمفرما باشد، این طیف فکری معتقدند نواحی مرزی به دلیل اهمیت راهبردی ابتدا باید امنیت‌شان تأمین شود و سپس در لوای این امنیت و آرامش است که توسعه پیدا خواهند کرد. از نگاه اولویت‌بندی برخی از نظریه‌پردازان این گروه اعتقادی به توسعه ندارند و صرفاً درصدد تأمین امنیت این نواحی هستند. اینان استدلال می‌کنند مرزها، لبه‌های بیرونی کشورند و صرفاً باید امنیت‌شان را تأمین کرد که مرزنشینان با خیال آسوده به آرامش رسیده و سپس توسعه یابند. (ذکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴). البته دیدگاه سومی هم وجود دارد که هرچند معقول‌تر به نظر می‌رسد ولیکن در عمل، کمتر مورد توجه کشورها واقع شده است. در این دیدگاه توسعه و امنیت به صورت توأمان در نظر گرفته می‌شود و طرفداران این رویکرد معتقدند در یک منطقه هم باید امنیت مستقر شود و هم فرآیند توسعه به بهترین وجه آغاز و ادامه یابد. به عبارتی دیگر نه توسعه و نه امنیت مقدم بر یکدیگر نیستند و بایستی همگام و همزمان با هم پیش برده شوند.

آمایش دفاعی- امنیتی به دلیل تأکید بر استفاده از مزیت‌ها و فرصت‌های محیط جغرافیای در سازماندهی و مکان‌یابی مناسب اماکن و فعالیت‌های نظامی، سکونتگاهی و اقتصادی با در نظر گرفتن تهدیدهای پیش رو و در راستای رسیدن به ثبات پایدار و بازدارندگی، اهمیت بالایی در برنامه‌های دفاعی و امنیتی دارد. ضرورت آمایش دفاعی- امنیتی نیز در تمامی پهنه جغرافیایی کشور احساس می‌گردد، از این رو در سواحل خلیج فارس به ویژه در محدوده (بندر دیلم تا جنوب ناپبند) با ۶۲۵ کیلومتر طول ساحل و ۷۰۷ کیلومتر مرز دریایی در قسمت میانی خلیج فارس به دلایل دربرداشتن بخش زیادی از توان نظامی و دفاعی کشور، حضور ناوگان و پایگاه‌های نظامی بیگانگان و تهدیدهای روزافزون امنیتی و نظامی تکفیری صهیونیستی از یک سو و اهمیت بالای منطقه از نظر حجم بالای سرمایه‌گذاری ملی و زیرساخت‌های اقتصادی (اختصاص ۷۰ میلیارد دلار از ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در کل سواحل جنوب کشور به این منطقه)، دسترسی به آب‌های آزاد و سهم بالا در صادرات و

واردات کشور، استقرار اولین نیروگاه هسته‌ای، منابع عظیم نفت و گاز و صادرات تقریباً تمامی نفت خام و گاز طبیعی کشور از سوی دیگر، ضرورت آمایش دفاعی - امنیتی را دو چندان می‌نماید (ارجمند و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۰). بی‌توجهی به مناطق مرزی، باعث عدم تعادل میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی می‌شود که بر فرآیند توسعه این مناطق تأثیر می‌گذارد و از نتایج آن، ناهمخوانی میان اهداف سیاسی و اقتصادی و ظهور مشکلات مربوط به آن در مناطق مرزی است. ویژگی‌های مناطق مرزی عبارتند از: دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت و جا به جایی مداوم جمعیت، تبادلهای غیرقانونی مرزی، تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی با مناطق داخلی کشور، ضدیت سیستمی و تهدیدات خارجی. وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز بین کشورهای مجاور و آسیب‌پذیری و تهدیدات مختلف در این مناطق، اهمیت ویژه‌ای را در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به مناطق مرزی داده است، بخصوص در کشور ما که دارای مرزهای طولانی بوده و ۱۵ استان از ۳۱ استان کشور مرزی است، آمایش سرزمین در تعریفی متأثر از دیدگاه محیط زیستی عبارت است از: تنظیم روابط بین انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسان و به منظور بهره‌برداری درخور و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماعی در طول زمان (مختاری هشی، ۱۳۹۳: ۲۳۸). با این اوصاف، شکی نیست که استان هرمزگان با توجه به اهمیت جغرافیایی، سیاسی و ژئواستراتژیکی که دارد بایستی از منظر آمایشی مورد توجه قرار گیرد تا بتوان استعدادهای و پتانسیل‌های این ناحیه را به نحو احسن بارور ساخت.

## ۷- چشم انداز اقتصادی و سازماندهی سیاسی فضا در هرمزگان

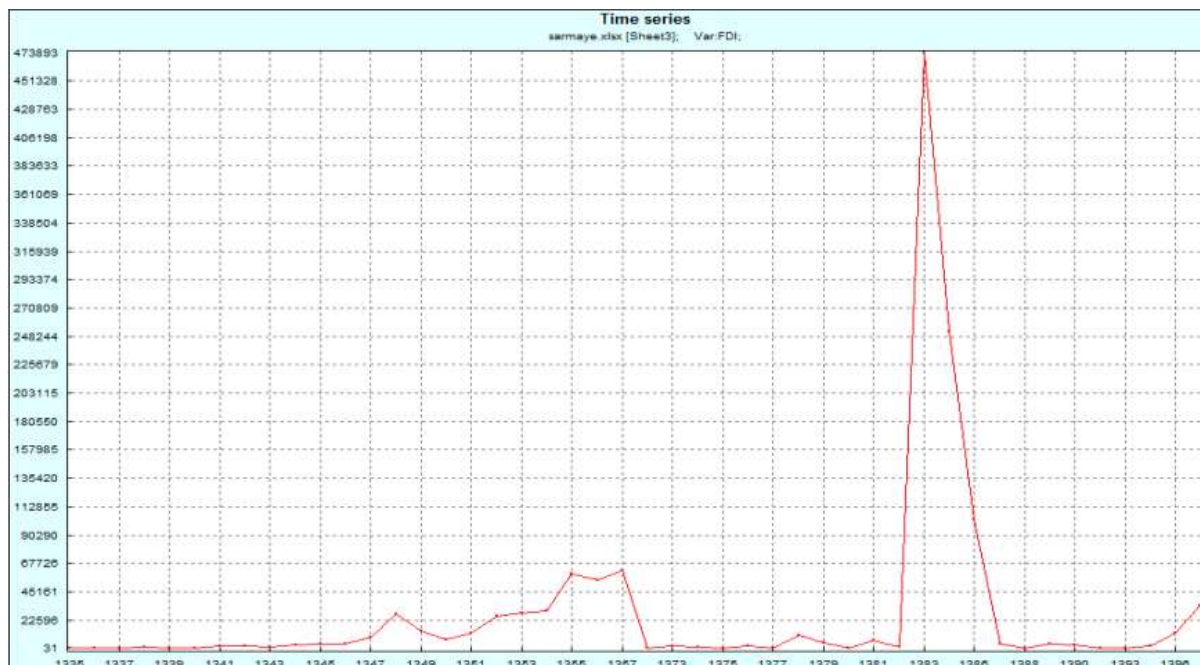
در بخش صنعت با توجه به تمرکز شدید فعالیت‌های صنعتی در شهرستان بندرعباس و لزوم تمرکززدایی و ارتقاء فعالیت مناطق پیرامونی همچون جاسک و پارسیان به عنوان قطب‌های جدید توسعه، استقرار صنایع سبک و سنگین در شهرستان‌های ساحلی به ویژه جاسک و پارسیان اولویت اصلی استقرار فعالیت‌های صنعتی می‌باشد. استقرار صنایع معدنی جدید با توجه به موقعیت اقلیمی استان و قابلیت استفاده از انرژی‌های نو، پهنه‌های تعیین شده برای تولید انرژی‌های مذکور، شهرستان‌های جاسک، بشاگرد، بندر لکه و ابوموسی به عنوان قلمرو استقرار انرژی‌های نو انتخاب شده است. همچنین استقرار صنایع انرژی‌بر با توجه به ملاحظات زیست محیطی در ناحیه شرقی شهرستان جاسک پیشنهاد می‌شود. با توجه به ساحلی بودن بخش زیادی از پهنه استان و امکان بهره‌گیری از ظرفیت‌های درباره صنایع شیلات و تبدیل به عنوان یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های استان نیز استقرار یابد.

در بخش خدمات با توجه به وجود پتانسیل گردشگری در استان و همچنین سیاست‌های کلان، ایجاد منطقه گردشگری نمونه در سواحل مکران به عنوان یکی از اقدامات مهم در زمینه توسعه خدماتی استان پیشنهاد شده است. قرارگیری فعالیت‌های تبعی همچون ایجاد دهکده‌های ورزشی آبی و ساحلی، هتل‌ها و... در شهرستان‌های جاسک و جزایر تعیین گردیده است. در راستای سیاست‌های افزایش جمعیت در سواحل مکران، احداث مراکز درمانی جهت پوشش مناسب شهروندان موجود پیشنهاد شده که موقعیت مکانی آن در شهرستان میناب می‌باشد همچنین ایجاد خدمات برتر در شهرستان‌های بندر عباس، قشم و جزیره کیش پیشنهاد شده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، ۱۳۹۸: ۲۱-۱۹). در حوزه چشم‌انداز اقتصادی در استان هرمزگان حتماً باید به مواردی همچون قاچاق کالا در این منطقه استراتژیک توجه نمود؛ چرا که آینده اقتصاد در این منطقه با قاچاق کالا در ارتباط است و آینده ۲۵ اقتصاد در این ناحیه با آینده قاچاق کالا رابطه مستقیمی دارد.

چند عامل جغرافیایی در تبدیل شدن این استان به مرکز قاچاق کشور نقش اصلی داشته‌اند:

۱. مسافت طولانی بین بنادر دریایی خوزستان و بوشهر با قطب‌های اصلی واردات کالاها یعنی دبی، جبل‌علی، خصب، رأس‌الخیمه و برعکس فاصله نزدیک بنادر استان هرمزگان به ویژه بندرعباس با این مراکز، نخستین عامل برتری سواحل هرمزگان در این ارتباط است. به عنوان نمونه، فاصله دریایی و دلواری تا دبی ۷۲ ساعت است و برای بندرعباس ۱۲ ساعت و با استفاده از قایق‌های تندرو، این فاصله حداکثر ۳-۴ ساعت پیموده می‌شود.

۲. بن بست بودن جغرافیایی بوشهر و ضعف فرهنگ قاچاق در خوزستان به دلیل تراکم فعالیت‌های صنعتی و برعکس جا افتادن فرهنگ بازرگانی و قاچاق در استان هرمزگان، نقش دوم را در این ارتباط ایفا می‌کند.
۳. ضعف بازار تجاری کویت و تا امن شدن آن پس از جنگ خلیج فارس که بازار اصلی کالاهای قاچاق به بوشهر و خوزستان است، زمینه‌های جذابیت بیشتر بازارهای خارجی نزدیک سواحل هرمزگان یعنی دبی و جبل علی شده است.
۴. قرار گرفتن مناطق و بنادر آزاد کیش، قشم و بندرعباس در محدوده سیاسی استان هرمزگان، کشش و جاذبه این استان را برای جذب جمعیت و سرمایه بیش از پیش افزایش داده است (کریمی پور، ۱۳۸۳: ۲۱۴).
- سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام با تأکید بر رشد روز افزون و مستمر اقتصادی، رسیدن به جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه آسیای جنوب غربی را به عنوان یکی از مهمترین اهداف جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار داده است. با توجه به ساختار اقتصادی و جایگاه فعلی ایران در سطح منطقه و پیش‌بینی رشد بالای اقتصادی برخی از کشورهای منطقه، به منظور رسیدن به اولین جایگاه اقتصادی، ساختار اقتصادی ایران نیاز است به سمت یک اقتصاد سالم کارآفرین با رشد متوسط تولید ناخالص داخلی در دو دهه آینده در حرکت باشد (عسگری، ۱۳۹۲: ۸۰-۱۲۰).



شکل ۲: سری زمانی ورودی سرمایه‌گذاری خارجی در استان هرمزگان (منبع: امانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حکایت از رابطه دائم میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر، به‌ویژه فرصتی برای نفوذ واقعی بر اقدامات کشور میزبان توسط سرمایه‌گذار دارد که صندوق بین‌المللی پول چنین تعریف کرده است: سرمایه‌گذاری مستقیم با هدف کسب منافع طولانی مدت توسط یک شخصیت حقیقی یا حقوقی مستقر در یک اقتصاد معین صورت می‌گیرد. اقتصاددانان کلاسیک معتقدند که تمرکز سرمایه به مثابه کلیدی برای توسعه اقتصادی است و برای تمرکز سرمایه نیاز به پس‌انداز بیشتر وجود دارد. به عقیده کلاسیک‌ها انگیزه سودجویی عامل اصلی سرمایه‌گذاری‌ها است و هرچه نرخ سود بالاتر باشد میزان تمرکز سرمایه و در نتیجه سود بیشتر خواهد بود. کینز نیز معتقد بود که سرمایه‌گذاری از پارامترهای اصلی تقاضای کل بوده و افزایش سرمایه‌گذاری باعث افزایش تقاضای کل و افزایش درآمد ملی می‌شود (امانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۷).

## ۸- شهر و کنشگری سیاسی

تغییرات گسترده و تأثیرگذار در سطوح مختلف در فضای شهری به وقوع می‌پیوندد و شهرها، نقش آفرین و کانون اصلی تحولات سیاسی سطح ملی و جهانی، مراکز قدرت و سرمایه و نقاط کانونی شکل‌گیری رقابت‌های مختلف در عرصه ملی و فراملی به شمار می‌روند. بررسی هندسه جدید قدرت در شهر و تبیین روابط فضایی عناصر قدرت، زمینه را برای شکل‌گیری ژئوپلیتیک شهری فراهم کرده است. ژئوپلیتیک شهری، اصطلاح جدیدی برای تحلیل روند تحولات حاکم بر شهرها و تلاشی برای بازنمایی و تحلیل رویدادهای شهری در قالب روابط بین جغرافیا، قدرت و سیاست است. در این چهارچوب مفهوم رقابت و چگونگی سازماندهی نیروهای رقیب و بازتاب فضایی آن در شهر، بنیان ژئوپلیتیک شهری به شمار می‌آید (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴). مفهوم قدرت در کانون مطالعات ژئوپلیتیک شهر قرار دارد. شهرها به منزله پدیده‌ای جغرافیایی نقش زیادی در بازی قدرت میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اداره سرزمین ایفا می‌کنند. موقعیت و فرایندها و تحولات فضای جغرافیای شهر در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر به اهمیت ژئوپلیتیکی آن شده است؛ به همین دلیل گردانندگان حکومت و دولت در سطح ملی و محلی ناگزیر از لحاظ کردن شهر و تحولات آن در اداره قلمرو خود هستند (کمانرودی، کجوری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). جین جاکویز یکی از نظریه‌پردازان حوزه مطالعات شهری، در تبیین امنیت شهری موضوع تعامل فیزیکی و فرایندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند را مورد توجه قرار داده و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید می‌کند. وی ایجاد حرکت، استفاده فعال از سطح خیابان، برنامه‌ریزی فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های از این فعالیت‌ها را به عنوان مولفه‌های پر اهمیتی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۶). امنیت را با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان به طور کلی در سطوح مختلفی همچون امنیت عمومی، اجتماعی، کارکردی، شهری، کالبدی و محیطی و بررسی قرار داد. فضاهای عمومی شهر نیز به عنوان بخش کالبدی عرصه عمومی که تجلی کالبدی این عرصه محسوب می‌شوند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۱).

اساسی‌ترین مشکلات جوامع امروزی ما وجود تهدیدات و خطراتی است که به طور روزمره در فضاهای شهری شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر زمانی مشکل سازتر می‌شود که افراد در فضای زندگی روزمره خود یعنی در محل سکونت خود با رفتارهایی روبه‌رو شوند که باعث عدم احساس امنیت آنها در فضاهایی باشد که بایستی در آنها راحت بوده و با فراغ بال خود و خانواده‌شان از آن فضاها استفاده نمایند. بنابراین مسئله امنیت و احساس امنیت در همه فضاهای شهری و مخصوصاً در فضاهای باز محلات مسکونی از اهمیت خاصی برخوردار است (zarabian, 2010: 4). مفهوم قدرت در کانون مطالعات ژئوپلیتیک شهر قرار دارد. شهرها به منزله پدیده‌ای جغرافیایی نقش زیادی در بازی قدرت میان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با اداره سرزمین ایفا می‌کنند. موقعیت و فرایندها و تحولات فضای جغرافیای شهر در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر به اهمیت ژئوپلیتیکی آن شده است؛ به همین دلیل گردانندگان حکومت و دولت در سطح ملی و محلی ناگزیر از لحاظ کردن شهر و تحولات آن در اداره قلمرو خود هستند (کمانرودی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). بنابراین می‌توان گفت ژئوپلیتیک به عنوان (دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ) دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات در مکان و فضاهای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آن‌ها را به قلمرو اراده خود بیفزایند و بر عکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه بیرون برانند (hafeznia, 2005; 17).

## ۹- نظام بسیط متمرکز

واژه بسیط از لغت لاتین (unity) می‌باشد که تأکید بر یکی بودن و به هم پیوستگی حکومت دارد. الگوی بسیط سیستمی است که در آن همه اختیارات و اقتدار در قانونی واحد قرار داشته و قدرت و همچنین کارگزاران و عوامل آن به صورت قانونی در سراسر کشور حضور داشته و اعمال حاکمیت می‌نمایند.

حاکمیت در این سیستم غیرمنتزع و جدایی‌ناپذیر است. ساختار مرکزی تمامی مدیریت‌های محلی را تحت نظارت خود دارد و میزان قدرت آن‌ها را تعیین می‌کند حتی ممکن است در برخی موارد به طور موقت نقش مدیریت محلی را به عهده بگیرد. حکومت مرکزی می‌تواند تصمیم‌های خود را بر تمام حکومت‌های محلی تحمیل کند، بدون توجه به اینکه آیا این تصمیم‌ها مورد احترام و پذیرش مردم آن نواحی هست یا خیر؛ در موارد ضروری و هنگام بحران‌های ملی، حکومت مرکزی می‌تواند با کسب قدرت بیشتر وارد عمل شده و بحران را مرتفع سازد و یا بر عکس در دوره‌های آرامش، مسئولیت‌های بیشتری به حکومت‌های محلی اعطا کند.

در این الگو، به سازمانهای محلی و منطقه عنوان بهای یک زیر سیستم که دارای روابط سیستمی در درون ساختار فضایی کشور می‌باشد، توجهی نمی‌شود و تصمیم‌گیری‌های سیاسی اداری از پایتخت (کانون سیاسی) که گره مرکزی سیستم است و به پایین‌ترین سطوح القا می‌شود، در واقع در این نظام‌های متراکم حاکمیت بر اصول تمرکز استوار است و تمرکز نظام شیوهای است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور عمومی (محلی و ملی) توسط مرکز سیاسی اداری واحدی که معمولاً در مرکز قرار دارد، اتخاذ به موقع به اجرا گذاشته می‌شود. در این سیستم تنوع و گوناگونی داخلی، عدم تجانس قومی، قبیله‌گرایی یا محلی‌گرایی که تهدیدی برای واگرایی است، با کنترل مطلق و محدود کننده‌های مهار می‌شود (احمدی پور، ۱۳۹۳؛ ۱۱-۱۳).

با ظهور کاستی‌ها در نظام تمرکزگرا و عدم پاسخگویی مناسب به نیازهای محلی و مردمی، حکومت‌های مرکزی دچار بحران مشروعیت شده‌اند؛ از این رو حکومت‌ها تلاش کردند تا از رهگذر تمرکززدایی و محلی شدن، مجدداً مشروعیت حکومت را به دست آورند؛ به همین منظور در سال‌های اخیر بسیاری از نظریه‌های علوم انسانی و اجتماعی متکی بر مفاهیم حقوق شهروندی، دانش بومی، برنامه‌ریزی محله مبنای، تصمیم‌گیری پایین به بالا، دخالت حداقلی دولت در امور محلی و اداره کردن مطلوب بیان شده است. در واقع هدف اصلی این نظریه‌ها این است که تصمیم‌گیری امور محلی باید از درون جامعه محلی باشد، نه آنکه از بیرون تحمیل شود. یکی از نهادها و سازمان‌هایی که می‌تواند تا حد زیادی مفاهیم یاد شده را پوشش دهد، دولت محلی است که بر اساس قانون اساسی و مصوبات نهادهای عالی رتبه حکومتی یا قانون‌ایالتی، در مقیاس محله، روستا، شهر، کلان شهر و ناحیه تشکیل می‌شود و اعضای آن بر پایه اراده شهروندان طی فرایندهای دموکراتیک به صورت مستقیم از جانب مردم محل انتخاب می‌شوند تا با تصمیم‌گیری از ظرفیت‌های محلی به دنبال حداکثر توسعه و رفاه باشند (حجی پناه و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۴). در سیستم سیاسی متمرکز که تأکید بر تقویت ارکان حکومت و گسترش آن در تمام سطوح فضایی و ساختی است، دولت مرکزی صلاحیت و اختیار وضع قوانین، مقررات، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را داراست و سیاست‌ها و اوامر آن برای کارکنان و سازمان‌ها محلی لازم‌الاجراست. در چنین شرایطی پس از تصویب قوانین در مجلس، جهت اجرا به قوه مجریه ابلاغ شده و در تمام نقاط کشور به صورت یکنواخت نسبت به همه مردم اجرا می‌گردد و مجریان قانون از خود حقی بر تغییر آن یا تجاوز از حدود آن را ندارند و ملزم به اجرای یکنواخت آن هستند. از آنجا که قانون‌گذاری در سیستم متمرکز از سوی مقامات مرکزی در ارتباط با امور محلی صورت می‌گیرد با شرایط و واقعیت‌های منطقه‌های محلی سازگاری لازم را نداشته و گاهی اوقات با آنها در تضاد است. لذا فقدان رویکرد محلی و خصلت‌ها و ویژگی‌های واحدهای جغرافیایی منطقه‌ای یا محلی از نقایص قانون‌گذاری در این سیستم بشمار می‌رود چرا که فضای جغرافیایی در این سیستم صورت به یکسان انگاشته شده و تفاوت‌های جغرافیایی و انسان‌های مستقر گردند در این فضا بدون تفاوت لحاظ می‌گردند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶). به عبارتی دیگر در سیستم بسیط و متمرکز، استعدادهای محلی در نظر گرفته نمی‌شود و به تمام محدوده قلمرو بصورت



یک کلّ یکپارچه نگریسته می‌شود و از این جهت است که پتانسیل‌ها و استعدادهای مناطق و نواحی مختلف آن‌طور که شایسته است به منصه ظهور نمی‌رسد.

از نگاهی دیگر، در ایران بحث تقسیمات کشوری از گذشته مطرح بوده اما عدم انطباق تقسیمات کشوری با پهنه سرزمینی و عدم اجرای درست آن موجب بروز مشکلاتی شده است. عدم انطباق مرزهای سیاسی بر جغرافیای انسانی سبب رقابت‌های منفی محلی می‌گردد که کارایی مدیریت سرزمینی را کاهش داده و مانع از همکاری و همدلی بین مردم استان می‌شود. علاوه بر این رقابت‌های منفی محلی سبب بهره‌برداری گروه‌های مخالف دولت مرکزی از این اختلاف و مناقشات می‌شود. به خصوص که بسیاری از این استان‌ها که دارای عدم انطباق تقسیمات سیاسی با جغرافیای انسانی هستند، در حواشی و مرزهای کشور قرار دارند. این امر همچنین سبب تضعیف عدالت جغرافیایی و به حاشیه رفتن گروه قومی و یا مذهبی ضعیف‌تر و گسترش فقر و ناامنی در بین آن‌ها و پیامدهای امنیتی ناشی از آن برای منطقه و کشور می‌شود. نمونه این مورد را می‌توان در استان‌های آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و تا حدودی در خوزستان و هرمزگان مشاهده نمود. این مسئله تا حدود زیادی به رقابت‌های قومی و محلی بستگی دارد که ریشه در تقسیمات سیاسی نامنتطبق بر نواحی جغرافیای انسانی و فرهنگی در این استان‌ها است. عدم توسعه یافتگی و محدودیت مشارکت سیاسی اقوام مذکور در جریان اداره امور محلی، سبب غیریت‌سازی و شکل‌گیری انگاره تبعیض از سوی اقوام و حکومت مرکزی در قبال این گروه‌های انسانی شده است که خود منجر به واگرایی بیش‌تر آنها می‌شود (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۶).

#### ۱۰- بی‌عدالتی فضایی

منظور از بی‌عدالتی فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات و قدرت در فضا است. نابرابری‌های فضایی می‌تواند شامل نابرابری بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... باشد. نابرابری فضایی موجب می‌شود استفاده بهینه از فضا به عمل نیاید. استفاده غیربهینه از فضا زمینه تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم می‌کند، سبب تضعیف انسجام ملی و جامعه می‌شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌کند، زمینه‌ساز مهاجرت‌های بی‌رویه می‌شود و توزیع بهینه جمعیت در فضا را غیرممکن می‌کند. به طور کلی نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. همچنین نابرابری به اساس وحدت ملی آسیب می‌رساند و پیشرفت عمومی را با وقفه روبه‌رو می‌کند (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

بازتاب بی‌عدالتی فضایی مسائل اجتماعی - سیاسی و فرهنگی ثبات و آرامش ملت را به مخاطره می‌اندازد و به شکل حاد آن موجب بروز تهدیدهایی می‌شود که مشروعیت نظام سیاسی را به چالش می‌کشد. مسائلی مانند واگرایی، منازعات مسلحانه، مواد مخدر، تروریسم و قاچاق از مهمترین بازتاب‌های بی‌عدالتی فضایی است که در مقیاس منطقه‌ای کشور ایران را در مقیاس ملی درگیر خود کرده است.

انتخاب ارادی قطب‌های رشد، سیاست‌های وارداتی و صادراتی، ایجاد و تجهیز شبکه‌های زیربنایی و اتکای اصلی به منابع نفت، موجب مغفول ماندن قابلیت‌های ارزشمند مناطق شرقی کشور، از دید تصمیم‌گیران ملی شده است. به هر صورت آنچه واقعیت دارد، نابرابری‌های کلان موجود بین شرق و غرب کشور است که آشکارا، نوعی دوگانگی در امر توسعه را موجب شده است (ابراهیم زاده، ۱۳۹۴: ۱۵). احساس در حاشیه بودن و نابرخورداری از فرصت‌های ملی زمینه‌ساز ناخرسندی و احساس تبعیض است. اقدامات کنشی حکومت واکنش اکثریت ساکنان را در قالب احساس مشترک فراگیر ناحیه‌ای، جریان‌های ناحیه‌گرا و توجه به نمادهای ناحیه‌ای را بر می‌انگیزد.

در ناحیه‌گرایی سیاسی نقش نیروهای مرکزگرا که در نماد وحدت و یکپارچگی ظاهری می‌شدند، کاسته می‌شود و نیروهای واگرا تقویت و چیرگی می‌یابند و واحد سیاسی را به سوی فروپاشی می‌رانند. بر این اساس، هرگاه ناحیه‌گرایان به این نتیجه



برسند که دستیابی به خواسته‌هایشان در چارچوب دولت و نظام سیاسی موجود تحت هیچ شرایطی امکان‌پذیر نیست، ناحیه‌گرایی از هر نوع که باشد جهت‌گیری سیاسی یافته و یکپارچگی دولت را به چالش می‌کشاند. در ایران، نظیر دیگر کشورهای جهان سوم، علاوه بر محدودیت‌های عوامل طبیعی، اقتصادی، سیاسی، مسائل قومی، نژادی، مذهبی، فرهنگی، عامل استعمار، جهانی شدن، ضعف استراتژیها و راهبردهای توسعه، نقصان و ضعف در اجرای چنین استراتژیها، ضعف مدیریت کلان و خرد و سیاست غیر اصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی، خدماتی و در قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در نخست شهر و مادر شهر ناحیه‌ای موجبات اصلی نابرابری ناحیه‌ای بوده است (قنبری، ۱۳۸۹: ۳). معمولاً عدم تعادل منطقه‌ای تبعات زیان‌بار فراوانی برای کشورها به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش فرایند تمرکزگرایی، افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی- اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه‌نشینی، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگرایی در مناطق مختلف به ویژه مناطق قومی- فرهنگی، افزایش احساسات تبعیض و فاصله طبقاتی، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخش مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشورها، افزایش تخریب محیط زیست و فشارهای اکولوژیک به ویژه در اثر رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ، عدم بهبود در وضعیت اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه جمعیت برخی از مناطق کشورها اشاره کرد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶). به تعبیر دیگری، در ساختار سیاسی- اداری متمرکز از لحاظ سلسله مراتب فضایی با شکل‌گیری رابطه مرکز- پیرامون، مرکز سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و سایر کانون‌های قدرت در نقش سیاه چاله‌های فضایی، سازوکارهای فضایی کشور را در خود فرو بلعیده و با سلب فرصت‌های مختلف توسعه‌یافتگی از فضاهای پیرامون، باعث خلق انواع حفره‌های فضایی/ گسل‌ها و شکاف‌های فضایی (سیاسی- اقتصادی- فرهنگی) در اقصی‌نقاط کشور از لحاظ کارکردی نواحی جغرافیایی پیرامون می‌شوند.

## ۱۱- بحث و نتیجه‌گیری

در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا مبتنی بر اختصاصات فضایی، الگوی حکومتی و ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی، حکومت‌ها نقش اصلی را بر عهده دارند. در ایران مهم‌ترین شاخص‌های قانونی دخیل در انجام این فرآیند، تعداد و تراکم جمعیت، نوع اشتغال و امرار معاش، عوامل طبیعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و میزان برخورداری از امکانات رفاهی در مناطق شهری، ارتباط و فاصله مکانی مجاورت و حوزه نفوذ می‌باشند. سازماندهی سیاسی فضا سعی بر آن دارد تا از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های نواحی مرزی و یا دیگر نواحی به بهترین وجه استفاده نماید و در جهت فعال کردن آن‌ها برآید لذا سازماندهی فضا خود می‌تواند عامل تسهیل‌کننده روابط بین اجزا باشد و یا اینکه می‌تواند باعث ناکارآمدی سیستم مدیریتی و تصمیم‌گیری در سطوح استانی و ناحیه‌ای شود که استان هرمزگان نیز در چنین شرایطی قرار دارد.

از نمودهای عینی در سازماندهی سیاسی فضا، تأثیرات آن بر حوزه امنیتی و اقتصادی می‌باشد؛ در حقیقت هر چقدر آمایش سرزمین به درستی انجام پذیرد می‌توان توسعه اقتصادی را برای استان هرمزگان متصور شد. در جهت دیگر لازم است که در حوزه آمایش سرزمین به موضوع جمعیتی نیز اشاره نمود که هراندازه آمایش سرزمین به درستی صورت پذیرد تراکم جمعیتی به شیوه مناسبی در سطح استان قرار خواهد گرفت و باعث می‌شود در توزیع امکانات از عدالت مطلوبی بهره‌مند شویم. در سازماندهی سیاسی فضا توزیع فضایی قدرت از بالا به پایین صورت می‌پذیرد و این اعطای قدرت و یا امکانات به نواحی به صورت کاملاً ناقص و سلیقه‌ای انجام می‌پذیرد؛ لذا استان‌های مستعد برای پیشرفت در چنین سیستمی با مشکل مواجه می‌شوند، پس درست آن است که هر استانی برای تصمیم‌گیری در مورد منابع خود از جایگاهی نزد حاکمیت مرکزی برخوردار باشد. در موضوع دیگر لازم است که اشاره شود نحوه سازماندهی سیاسی فضا در ایران باعث بوروکراسی اداری شده است که این بوروکراسی خود توان سیستم مدیریتی را در کشور با کاهش مواجهه نموده است؛ چرا که مدیران ارشد در استان‌ها و نواحی مرزی باید برای انجام کوچکترین حرکت اقتصادی، خود را با مرکز هماهنگ نمایند در صورتی که ممکن است پایتخت اصلاً شناختی از ظرفیت‌های استان نداشته باشد و یا اینکه تا بخواهد در مورد موضوعی تصمیم‌گیری نماید زمان زیادی را صرف

این کار نماید و آن موضوع از اهمیت اولیه کاسته شود. در حوزه مدیریت شهری و کنش سیاستمداران در شهر لازم است اشاره شود که شهرها محل بازی قدرت بزرگان بوده است و در شهرها، دولت محلی می‌تواند حاکمیت خود را به نحو احسن به نمایش بگذارند لذا لازم به ذکر است که شهرها و نمادهای درونی شهر، محلی برای به نمایش گذاشتن قدرت می‌باشد و چینی‌ش مجموعه شهری و بافت شهری در راستای این بازی قدرت و این کنشگری سیاسی است. در مجموعه شهری استان هرمزگان بازیگران محلی و دولت محلی مهم‌ترین نقش را در راستای شکل‌گیری فضای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بازی می‌کنند. به همین خاطر شکل‌گیری فضا و ساخت شهری در استان هرمزگان که نه فقط منظور ساخت کالبدی شهری است بلکه در اینجا فضای کنش و واکنش بین دولت محلی و حاکمیت مرکزی مدنظر است، متأثر از این نگاه می‌باشد. در سازماندهی سیاسی فضا و توزیع فضایی قدرت در استان هرمزگان با توجه به ظرفیت‌های موجود در استان می‌توان از سیستم مدیریتی بصورت ناحیه‌ای برخوردار شد البته برای اینکار باید توجیه کامل نظامی و اقتصادی را برای طرح مزبور بیان نمود در صورتی این طرح با موافقت کامل روبه‌رو خواهد شد که کشور با مشکل امنیتی، حوزه نفوذ، حفره‌های دولتی، قاچاق کالا و خودمختاری مواجه نشود و اینکه استان یا ناحیه مورد نظر کاملاً به لحاظ تصمیمات کلان سیاسی بویژه در مورد سیاست‌های کلان خارجه وابسته به پایتخت باشد. در این صورت شاید بتوان گفت که کشور تا حدودی از اعطای اختیارات به نواحی مرزی همچون استان هرمزگان بیم نداشته باشد. لازم به ذکر است که مرکزیت سیاسی اداری همیشه به دنبال حفظ موقعیت جایگاه خود می‌باشد تا بتواند قدرت را در دستان خود حفظ نماید به تعبیر دیگر در ساختار سیاسی-اداری متمرکز از لحاظ سلسله مراتب فضایی با شکل‌گیری رابطه مرکز-پیرامون، مرکز سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و سایر کانون‌های قدرت در نقش سیاه چاله‌های فضایی، سازوکارهای فضایی کشور را در خود فرو بلعیده و با سلب فرصت‌های مختلف توسعه‌یافتگی از فضاهای پیرامون، باعث خلق انواع حفره‌های فضایی/گسل‌ها و شکاف‌های فضایی (سیاسی-اقتصادی-فرهنگی) در اقصی‌نقاط کشور از لحاظ کارکردی نواحی جغرافیایی پیرامون می‌شوند. البته این عدم تعادل و توازن‌های ناحیه‌ای خود می‌تواند مخاطراتی را در پی داشته باشد که در حقیقت بازتاب بی‌عدالتی فضایی مسائل اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ثبات و آرامش ملت را به مخاطره می‌اندازد و به شکل حاد آن موجب بروز تهدیدهایی می‌شود که مشروعیت نظام سیاسی را به چالش می‌کشد. مسائلی مانند واگرایی، منازعات مسلحانه، مواد مخدر، تروریسم و قاچاق از مهم‌ترین بازتاب‌های بی‌عدالتی فضایی است که در مقیاس منطقه‌ای کشور ایران را در مقیاس ملی درگیر خود کرده است. در سیستم سیاسی متمرکز که تأکید بر تقویت ارکان حکومت و گسترش آن در تمام سطوح فضایی و ساختی است، دولت مرکزی صلاحیت و اختیار وضع قوانین، مقررات‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را داراست و سیاست‌ها و اوامر آن برای کارکنان و سازمان‌ها محلی لازم‌الاجراست. در چنین شرایطی پس از تصویب قوانین در مجلس، جهت اجرا به قوه مجریه ابلاغ شده و در تمام نقاط کشور به صورت یکنواخت نسبت به همه مردم اجرا می‌گردد و مجریان قانون از خود حقی بر تغییر آن یا تجاوز از حدود آن را ندارند و ملزم به اجرای یکنواخت آن هستند. از آنجا که قانون‌گذاری در سیستم متمرکز از سوی مقامات مرکزی در ارتباط با امور محلی صورت می‌گیرد با شرایط و واقعیت‌های مناطق محلی سازگاری لازم را نداشته و گاهی اوقات با آن‌ها در تضاد است که خود باعث بروز شورش‌ها در سطوح محلی می‌شود.

## منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و موسوی، میرنجف (۱۳۹۴). آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه آن (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)، جغرافیا و توسعه، دوره چهاردهم، شماره ۴۲.
- ابونوری، اسمعیل و خوشکار، آرش (۱۳۸۶). مقایسه توزیع درآمد استان هرمزگان با کل طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۸، شماره ۲.
- احمدی پور، زهرا و رهنما، محمد رحیم و رومینا، ابراهیم (۱۳۹۷). نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی مورد مطالعه: ایران، جغرافیا، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۷۰).
- احمدی پور، زهرا و منصوریان، علی رضا (۱۳۸۵). تقسیمات کشوری و بی‌ثباتی سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۵)، جغرافیا: ژئوپلیتیک، شماره ۳.
- احمدی پور، زهرا و ولیقلی‌زاده، علی (۱۳۹۰). مطالعه و آنالیز نقش تهران به عنوان قدرت مرکزی ایران، فصلنامه جغرافیا، شماره ۳۵.
- احمدی‌پور زهرا (۱۳۸۲). تحلیلی بر سیر نامگذاری واحدهای سیاسی - اداری در ایران، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۲۹).
- احمدی‌پور، زهرا (۱۳۷۹). تقسیمات کشوری و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی، مطالعات راهبردی، شماره ۷ و ۸.
- احمدی‌پور، زهرا و میرزایی تبار، میثم (۱۳۹۰). نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا، آمایش محیط، شماره ۱۲.
- احمدی‌پور، زهرا و میرزایی تبار، میثم (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک شهری و تبیین مفهوم رقابت، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره بیست و نهم، شماره ۲ (پیاپی ۷۰).
- احمدی‌پور، زهرا و میرشکاران، یحیی و هورکارد، برنارد (۱۳۹۳). سازماندهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۵).
- ارجمند، رضا و سعیدی، علی و قلی‌زاده، سید ابراهیم (۱۳۹۵). تحلیل دفاعی - امنیتی آمایش مرزی با رویکرد پدافند غیر عامل (مطالعه موردی: بندر دیلم - جنوب بندر نایبند)، علوم سیاسی، شماره ۵۴.
- اطاعت، جواد و نیکزاد، روح الله (۱۳۹۵). تأثیر تقسیم سیاسی فضا بر توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان‌های سواحل جنوبی ایران)، پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره چهل و هشتم - شماره ۲.
- اعظمی، هادی و دبیری، علی اکبر (۱۳۹۰). تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران، جغرافیا، ژئوپلیتیک، شماره ۲۲.
- امانی‌زاده، آرمین و روحی، مرتضی؛ کهن سال، اردشیر (۱۳۹۸). پیش‌بینی سرمایه‌گذاری خارجی در استان هرمزگان طی سالهای ۱۳۹۸-۱۴۰۰ با استفاده از روش تحلیل طیف تکین، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت حسابداری، شماره ۱۶.
- آذرخواه، یدالله (۱۳۹۰). تبیین آثار مقیاس‌های جهانی ملی و محلی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما رسول افضلی، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- آقابیاتی، سیدعلی (۱۳۸۸). زمین‌شناسی و توان معدنی استان هرمزگان، رشته آموزش علوم زمین، شماره ۵۵.
- بابایی، سارا (۱۳۹۳). معرفی جزایر ایرانی خلیج فارس، انتشارات مطالعات خلیج فارس، سال اول، شماره اول.
- بردی آنا مرادنژاد، رحیم و زارع، الهه (۱۳۹۸). ارزیابی میزان و عوامل موثر بر اعتماد شهروندان به مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه یک شهر شیراز)، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، شماره ۲۰.

- پارساپور، روزبه (۱۳۸۹). آمایش سرزمین بندرعباس، مرکز مطالعات خلیج فارس.
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۰). آمایش سرزمین و ایجاد تعادل در نظام شهری کشور، سال چهارم و هشتم، شماره ۴.
- پورموسی، سیدموسی (۱۳۸۷). سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۳.
- حاجیان، ابراهیم و رضایی، علی اکبر و فلاح زاده، میرزا عبدالرسول (۱۳۹۱). اعتماد اجتماعی به مدیریت شهری و عوامل موثر بر آن، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول شماره ۲.
- حافظنیا، محمد رضا (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، ج ۱، قم، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- حافظنیا، محمد رضا و رومینا، ابراهیم و احمدی‌پور، زهرا و فانی، علی اصغر (۱۳۹۲). مدیریت سیاسی فضا در سیستم‌های بسیط متمرکز، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم - شماره اول.
- حافظنیا، محمدرضا و قادری‌حجت، مصطفی (۱۳۹۳). بی عدالتی فضایی و مخاطرات انسانی مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان، علوم اجتماعی، دانش مخاطرات، دوره یکم - شماره ۲.
- حجی‌پناه، نرگس و زرقانی، سیدهادی و خوارزمی، امیدعلی (۱۳۹۵). به کارگیری نگرش سیستمی در تحلیل نقش عوامل اقتصادی - مالی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، شماره ۳.
- حجی‌پناه، نرگس و زرقانی، سیدهادی و خوارزمی، امیدعلی (۱۳۹۷). ارزیابی نقش و تاثیر عوامل سیاسی - قانونی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران بر اساس تفکر سیستمی، جغرافیا و آمایش شهری منطقه ای، شماره ۲۷.
- خوجم لی، عبدالوهاب و احمدی‌پور، زهرا و حافظنیا، محمدرضا و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۵). تبیین ژئوپلیتیک منظر شهری؛ رابطه قدرت و سیاست با نمادسازی شهری، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال اول، شماره سوم.
- داودی، رضا (۱۳۹۸). ارتباط منظر و نمای شهری با مولفه‌های ژئوپلیتیک و قدرت سیاسی شهری، مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری، سال دوم، شماره ۹.
- ذکی، یاشار و افضلی، رسول و مرادی، اسکندر و رنجبری، کمال (۱۳۹۸). عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان، جغرافیا، شماره ۶۲.
- راحی، محمد و مهکوبی، حجت و خادم‌الحسینی، احمد و شمس‌الدینی، علی (۱۳۹۷). بررسی سازماندهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور مطالعه موردی: شهرستان کاشان، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۳۰.
- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱). مدیریت عمران شهری، تهران، انتشارات پیوند نو.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان (۱۳۹۸). سند راهبردی آمایش سرزمین استان هرمزگان، امور برنامه‌ریزی نظارت و آمایش سرزمین.
- سعیدی، علی و ترک شکناری ربیع (۱۳۹۲)، ملاحظات دفاعی - امنیتی در آمایش شرق استان هرمزگان (سواحل شمال شرق تنگه هرمز - پژوهش‌های حفاظتی امنیتی)، شماره ۷.
- سلطانی، ناصر (۱۳۹۲). ارزیابی موانع فراوری طرح‌های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی، دوره هفدهم، شماره ۳.
- سلیمانی، محمد و حافظنیا، محمدرضا و قورچی، مرتضی و محمدیان، حسین (۱۳۹۴). تبیین رابطه زیر ساخت‌های شهری و جهانی شدن دولت محلی کلان شهری، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، شماره ۲.
- عزتی، نصرالله (۱۳۹۰). نقش و آمایش مرزی در نظام برنامه‌ریزی، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم.

- علی پور، عباس و حسین وند شکری، روح الله و سعیدزاده، مصطفی (۱۳۹۵). آسیب شناسی ژئوپلیتیکی تقسیمات کشوری ایران از منظر آمایش سرزمین، پژوهش های جغرافیای سیاسی، شماره ۵.
- فرجی دانا، احمد (۱۳۷۱). آمایش سرزمین و توسعه فضایی یکپارچه، تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۶.
- قائدرحمته، صفر و عسگری، مهدی و سلطانی، لایلا (۱۳۹۰). تمرکز شهری و آسیب پذیری ناشی از زلزله نمونه مورد مطالعه (شهرهای استان هرمزگان)، انتشارات جغرافیا، شماره ۳۰.
- قنبری، ابوالفضل (۱۳۸۹). تحلیل علل و عوامل نابرابری در نقاط شهری استان آذربایجان شرقی، جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران) دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۶.
- کاظمی، منصوره (۱۳۸۶). مروری اجمالی بر سیستم تحولات آمایش سرزمین در ایران، مجله اقتصادی شماره ۶۷ و ۶۸.
- کریمی، مرتضی و قره باغی، مصطفی (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی مکان یابی پالایشگاه با رویکرد پدافند غیرعامل (مطالعه موردی: پالایشگاه بندرعباس)، شماره ۱۵، شماره ۱۸.
- کریمی پور، یدالله؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۳). سد نفوذ قاچاق کالا: از واقعیت تا رویا (پژوهش میدانی در محدود استان هرمزگان)، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۳.
- کمانرودی کجوری، موسی و کرمی، تاج الدین و عبدی، عطاءالله (۱۳۸۹). تبیین فلسفی مفهومی جغرافیای سیاسی شهر، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۳.
- مختاری هشی، حسین و مومنی، مهدی و باقری، مهرداد (۱۳۹۳). تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی؛ مطالعه موردی مرزهای شرقی کشور، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۱۴.
- مقیم، سید محمد (۱۳۹۰). اداره امور حکومت های محلی و مدیریت شوراها و شهرداری ها، تهران، انتشارات سمت.
- موسوی، میرنجف و ویسیان، محمد و محمدی حمیدی، سمیه و اصغری، مریم (۱۳۹۴). احساس امنیت در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شهر سرخس)، جغرافیا، شماره ۴۵.
- مویدی، محمد و علی نژاد، منوچهر و نوایی، حسین (۱۳۹۲). بررسی نقش مولفه های منظر شهری در ایفای سطح امنیت در فضاهای عمومی شهر (مطالعه موردی: محله اوین تهران)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵.
- ولیعلی زاده، علی (۱۳۹۵). تحلیل فضایی تأثیرات تمرکزگرایی در شکل گیری نابرابری های فضایی-سرزمینی در ایران، جغرافیای سیاسی، شماره ۶.
- یمانی، مجتبی و نگهبان، سعید؛ رحیمی هرآبادی، سعید و علیزاده، محمد (۱۳۹۱). ژئومورفوتوریسم و مقایسه روش های ارزیابی ژئورفوسایت ها در توسعه گردشگری (مطالعه ی موردی: استان هرمزگان)، برنامه ریزی و توسعه گردشگری، شماره ۱.

Carr, R.K & et al (1964). American Democracy in Theory and Partice, NewYork: Holt, Rinehart and Winston Caulfield.

Hafeznia, M. (2008). Finding Equivalente of meanings of Political Geography Words, International Journal of Geopolitic,1(14)

Hafeznia, M. (2008). Finding Equivalente of meanings of Political Geography Words, International Journal of Geopolitic,1(14)

Hafeznia, mohammad reza (2006): principles and concepts of geopolitics, mashhad, papoli publication.

<https://www.bing.com/images/search?>

Kuklinski (1978), a. regional planing today. Thran, plan budget organization.-